

د فصلنامه ویژه پژوهشهای ادبی و متن شناختی

دوره جدید، سال پانزدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶ (پیاپی ۶۰)

۶۰



- کلمات ترکی (ترکی مغولی و عثمانی) در غزلیات مولوی / محمود عابدی و بدریه قوامی / ۱۱
- قرآن منسوب به خط امام رضا(ع) در آستان قدس رضوی و تکمله‌های آن... / مرتضی کریمی نیا / ۳۱
- بازخوانی تعلیقات استاد شفیعی کدکنی بر غزلیات شمس تبریز / رحمان مشتاق مهر / ۷۱
- جامعه‌نگاری روستایی در منابع تاریخی عصر صفویه / سیدسعید میرمحمدصادق و عطاءالله حسینی / ۱۰۵
- معرفی یک طومار نقالی کهن به زبان ترکی / سجّاد آیدنلو / ۱۲۹
- رد پای یکی از مشایخ تبریز در بوستان سعدی / محمدعلی موسی‌زاده و محمد طاهری خسروشاهی / ۱۵۱
- پایزه‌ای دیگر از سلطان ابوسعید ایلخانی / سعید خودداری نائینی / ۱۷۱
- اسماعیلیان ایران و دانش استیقا / علی صفری آق‌قلعه / ۱۸۹
- بازآرایی و بازشناسی سه مجموعه فارسی زردشتی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی / حمیدرضا دالوند / ۲۰۵
- فواید واژگانی دیوان غیاث‌الدین گنججی / مسعود راستی‌پور / ۲۲۹
- نقد و بررسی چاپ التذکرة فی علم البزدره / امین مجلی‌زاده و مهدی سلمانی / ۲۴۳
- بررسی انتقادی چاپ دیوان خاقانی تصحیح ضیاءالدین سجادی / یعقوب نوروزی و سیف‌الدین آب‌برین / ۲۶۵
- پژوهشی در اشعار فارسی تقریظات مجموعه رشیدیه مجتبی دماوندی و سیاوش خوشدل / ۲۸۱

آینه میراث

دوفصلنامه ویژه پژوهشهای ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال پانزدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۶ (پیاپی ۶۰)
دارای مجوز علمی - پژوهشی به استناد نامه ۳/۱۸/۴۴۱۴۶ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۸
از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سرمدیر: مجدالدین کیوانی
مدیر داخلی: یونس تسلیمی‌پاک

هیأت تحریریه

محمدعلی آذرشب (استاد دانشگاه تهران)، نجفقلی حبیبی (دانشیار دانشگاه تهران)، اصغر دادبه (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، علی رواقی (استاد دانشگاه تهران)، علی اشرف صادقی (استاد دانشگاه تهران)، حامد صدقی (استاد دانشگاه خوارزمی)، منصور صفت‌گل (استاد دانشگاه تهران)، محمود عابدی (استاد دانشگاه خوارزمی)، حبیب‌الله عظیمی (استادیار پژوهشی کتابخانه ملی)، احد فرامرز قراملکی (استاد دانشگاه تهران)

مشاوران علمی

سیدعلی آل داود، پرویز اذکایی، محمود امیدسالار (آمریکا)، اکبر ثبوت، غلامرضا جمشیدنژاد اول، جمیل رجب (کانادا)، هاشم رجب‌زاده (ژاپن)، محمد روشن، فرانسیس ریشار (فرانسه)، برت فراگنر (اتریش)، پاول لوفت (انگلستان)، احمد مهدوی دامغانی (آمریکا)، عارف نوشاهی (پاکستان)، یان پوست ویتکام (هلند)

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ (دیجیتال): میراث

* این مجله در پایگاه مجلات تخصصی نورمگز (www.noormags.ir)، بانک اطلاعات نشریات کشور (www.magiran.ir)، پایگاه اطلاع‌رسانی پارسا (www.islamicdatabank.com)، پایگاه مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری (www.ricet.ac.ir)، و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (www.isc.gov.ir) نمایه می‌شود.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه ۲، واحد ۹

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲، ۶۶۴۹۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

سامانه ارسال مقالات: www.am-journal.ir

ایمیل نشریه: ayenemiras@mirasmaktoob.ir

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال

- نقل مطالب این نشریه با ذکر مأخذ آزاد است.
- آراء مندرج در نوشته‌ها الزاماً مورد تأیید آئنه میراث نیست.
- هیأت تحریریه در ویرایش مطالب آزاد است.
- پس از صفحه‌آرایی و ویرایش مقاله، امکان بازبینی و تغییر در نوشته وجود ندارد؛ بنابراین انتظار می‌رود نویسندگان شکلی از نوشته خود را برای نشریه بفرستند که حاصل آخرین تأملات و واری‌های ایشان است.
- چنانچه ثابت شود که نویسنده/نویسندگان مقاله‌ای، از هر کتاب یا نشریه‌ای، مرتکب انتحال شده‌اند نشریه از پذیرفتن مقالات دیگر ایشان معذور خواهد بود.

از نویسندگان درخواست می‌شود به نکات زیر توجه فرمایند:

- مقاله باید حاصل پژوهش‌های نویسنده آن باشد.
 - مطلب ارسالی در نشریه دیگری چاپ نشده باشد.
 - مقاله باید دارای چکیده فارسی، عربی و انگلیسی، هر یک در ۱۰۰ تا ۱۲۰ کلمه، به همراه چهار تا هشت کلیدواژه باشد.
 - اصل مقاله از حدود ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ واژه (۱۰ تا ۱۵ صفحه نشریه) باشد و در نرم‌افزار word روی صفحه A4 تایپ شود.
 - حتی‌الامکان نمودارها، جدول‌ها و تصاویر به صورت آماده برای چاپ ارائه شوند.
 - توضیحات باید به صورت پانویشت (پای همان صفحه) بیاید.
 - ارجاعات باید در درون متن در میان پرانتز آورده شوند. برای ارجاع ذکر این اطلاعات و رعایت این شیوه ضروری است:
- نام خانوادگی [در منابع جدید]/ اسم اشهر [در منابع قدیم]، تاریخ چاپ: جلد/شماره صفحه. مثلاً:
 (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵: ۱۸/۱) یا (فردوسی، ۱۳۸۶: ۷۶/۳). اگر ارجاع بعدی به همان کتاب باشد:
 (همان: ص). اگر ارجاع بعدی دقیقاً همانند ارجاع قبلی باشد: (همانجا).
- منابع مقاله باید پس از ارجاعات و توضیحات به صورت زیر مرتب شود:
- کتاب‌ها: نام خانوادگی [در منابع جدید]/ اسم اشهر [در منابع قدیم]، نام [تاریخ چاپ]. نام کتاب [به کوشش .../ترجمه ...، ...]، نام شهر: ناشر. مثلاً: انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
- مقالات: نام خانوادگی، نام [تاریخ]. «عنوان مقاله»، نام کتاب/ نام مجله، [س ...، ش ...] ص ...-....
- همراه هر مطلب ارسالی ضروری است نام و نام خانوادگی نویسنده، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، نشانی کامل پستی و الکترونیکی و شماره تلفن ارسال شود.
 - لطفاً مقالات خود را به نشانی سامانه مجله آئنه میراث www.am-journal.ir ارسال فرمایید.

فهرست

.....	سخن سردبیر	۵
.....	کلمات ترکی (ترکی مغولی و عثمانی) در غزلیات مولوی / محمود عابدی و بدریه قوامی	۱۱
.....	قرآن منسوب به خط امام رضا ^(ع) در آستان قدس رضوی و تکمله‌های آن ... / مرتضی کریمی‌نیا	۳۱
.....	بازخوانی تعلیقات استاد شفیع کدکنی بر غزلیات شمس تبریز / رحمان مشتاق‌مهر	۷۱
.....	جامعه‌نگاری روستایی در منابع تاریخی عصر صفویه / سیدسعید میرمحمدصادق و عطاءالله حسنی	۱۰۵
.....	معرفی یک طومار نقالی کهن به زبان ترکی / سجّاد آیدنلو	۱۲۹
.....	ردّ پای یکی از مشایخ تبریز در بوستان سعدی / محمّدعلی موسی‌زاده و محمّد طاهری خسروشاهی	۱۵۱
.....	پایزه‌ای دیگر از سلطان ابوسعید ایلخانی / سعید خودداری نائینی	۱۷۱
.....	اسماعیلیان ایران و دانش استیفا / علی صفری آق‌قلعه	۱۸۹
.....	بازآرایی و بازشناسی سه مجموعه فارسی زردشتی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی / حمیدرضا دالوند	۲۰۵
.....	فوائد واژگانی دیوان غیاث‌الدین گنججی / مسعود راستی‌پور	۲۳۹
.....	نقد و بررسی چاپ التذکرة فی علم البزدره / امین مجلّی‌زاده و مهدی سلمانی	۲۴۳
.....	بررسی انتقادی چاپ دیوان خاقانی تصحیح ضیاءالدین سجادی / یعقوب نوروزی و سیف‌الدین آب‌برین	۲۶۵
.....	پژوهشی در اشعار فارسی تقریظات مجموعه رشیدیه / مجتبی دماوندی و سیاوش خوشدل	۲۸۱
.....	چکیده عربی / حامد صدقی	۳۰۹
.....	چکیده انگلیسی / مجدالدین کیوانی	۵

سخن سردبیر

در کنار بسیاری از همکاران آینه میراث که شیوه بررسی و ویرایش تحریریه این مجله را پسندیده و آن را موجب ارتقاء کیفیت مقالات خود دانسته‌اند، معدودی بر ما خرده گرفته‌اند که گویا در مقالات آنها بیش از اندازه دخل و تصرف می‌شود. برعکس کسانی که برای بالا بردن کیفیت صوری و محتوایی مقاله خود از هر پیشنهاد اصلاحی دیگران استقبال می‌کنند، این دوستان همکار جور دیگری فکر می‌کنند. لب نظرات آنها در قالب جملات زیر به اینجانب ابلاغ شده است:

«ویراستار، جز در وقت لزوم، مجاز به تغییر بافت متن و ارتفاع و صعود آن و بهتر و قوی‌تر کردن زبان متن نیست، به گونه‌ای که نویسنده را بالاتر از آنچه واقعاً هست عرضه کند و فقط مجاز است خطاهای دستوری، زبانی، فُرمی و معنایی را اصلاح کند».

نخستین بخش از پیشنهاد بالا که کار را مشکل می‌کند همان عبارت «جز در وقت لزوم» است که ویراستار را بلا تکلیف و مردّد می‌گذارد. حدّ این لزوم کجاست؟ مفهوم «لزوم» امری است نسبی و اعتباری که، تجربه نشان می‌دهد، مرز ثابت و مشخصی ندارد و می‌تواند به نظر افراد مختلف و در جاهای مختلف فرق کند. اگر حکم مطلق بود کار آسان‌تر می‌بود. پای نسبیت که به میان می‌آید، مرزهای «لزوم»، سیال و فراخ و تنگ می‌شود. احتمالاً دوستان معترض خواهند گفت که حدود و ثغور این لزوم در آخرین جمله

تعیین شده است: اصلاح «خطاهای دستوری، زبانی، فُرمی و معنایی». مع‌ذلک، در اینجا نیز با مشکل نسبیت روبه‌رویم. چه اجزایی از مقاله را باید از این جهات خطا به شمار آورد؟ فرض را بر این می‌گذاریم که ویراستار، در چهارچوب همین حدود پیشنهادی (که خوشبختانه بسیار سخاوتمندانه است)، مقاله را اصلاح کرد؛ آیا این باعث «ارتفاع و صعود و بهتر و قوی‌تر شدن زبان متن»، و ناقض بخش دیگر نظرات بالا نمی‌شود؟ اگر این «اصلاح»، کیفیت مقاله را بالا نبرد، پس نقش آن چیست؟ چرا اصلاً ویراستار به خود زحمت این کار بی‌ثمر را بدهد؟ اصلاً چرا برای مجله ویراستار تعیین می‌شود؟ حال، آیا اگر کیفیت مقاله ارتقاء یافت و، در نتیجه، نویسنده آن بهتر از آنچه هست عرضه شد، به کجا ضرر می‌رسد؟ پس، چگونه نویسنده به معایب و نواقص کارش پی ببرد، و در مقالات بعدی خود آنها را تکرار نکند؟ اگر نویسنده خود را گُل بی‌خار و در حدّ کمال بداند، داستان دیگری است. ارباب خرد و بصیرت هیچ‌گاه خود را کامل نمی‌دانند و همواره خواهان شنیدن تذکرات و تجارب دیگرانند. ما در سرآغاز شماره ۵۶ آینه میراث (بهار و تابستان ۱۳۹۴) به قدر کافی در این باب حرف زده‌ایم؛ از دوستان معترض درخواست می‌شود، به آن گفته‌ها عنایتی نکنند. واقعیت این است که زدودن مقاله از معایب و نواقص دستوری و معنایی، لزوماً به قصد قوی‌تر نشان دادن نویسنده آن نیست؛ مقصود اصلی عرضه نوشته‌ای حتی‌المقدور دقیق‌تر، پاکیزه‌تر و خوش‌ساخت‌تر به خوانندگان آن مقاله است. تا مقاله از زیر دست نویسنده خارج نشده، ملک طلق اوست و او صاحب اختیار مطلق آن است؛ می‌تواند حاوی هر رطب و یابس، ابتکار و انتحال و ضعف و قوتی باشد؛ اما به دفتر مجله که رسید، وضع فرق می‌کند. از آن زمان به بعد مسئولیت مقاله تا حدی به گردن مجله نیز خواهد بود. در این‌که مجله، طبق موازین اخلاق علمی، مسؤل مقاله و مؤلف آن است حرفی نیست، لیکن در برابر خوانندگان نیز مجله مسئول است. اگر مطلبی را منتشر کرد که بیش از اندازه سست و نادرست، یا دارای ضعف‌های نگارشی بود، خوانندگان چنین مقاله‌ای عموماً نخست گریبان مجله را خواهند گرفت که چرا چنین نوشته معیوبی را نشر کرده است. وظیفه تحریریه مجله است که ایرادهای هر مقاله را به حدّ اقل برساند و بقیه اشکالات محتمل را بگذارد برای خوانندگان تیزبین و کمال‌گرا که درباره آن نقد و نظر بنویسند. یکی از مسئولیت‌های مجلات جدی و آکادمیک ارائه مقالاتی است که هم از نظر علمی، هم به

لحاظ نگارش و پاکیزگی، زبان الگوی دیگران باشد؛ مخصوصاً در روزگار معاصر که نگارش فارسی راه انحطاط پیش گرفته، و فن‌آوری رایانه‌ها، به کمک صدها سایت و منابع مشکوکِ دنیای مجازی، راه هر جعل و انتحال را به روی همگان گشوده است. لذا، این‌که بعضی از دوستان ایراد کرده‌اند که تحریریه مجله نباید زبان متن مقاله را از آنچه هست بهتر نشان دهد، جای حرف زیاد دارد، ضمن این‌که با دیگر پیشنهادهای ایشان در تناقض است. وقتی به ویراستار حق می‌دهند که در مقالات آنها اصلاح «معنایی» انجام دهد، به او اجازه داده‌اند که از حدّ اشکالات «زبانی» فراتر رود و معانی نادرست یا مبهم را هم به اصلاح آورد.

یکی دو تن از یاران مجله حتی تلاش تحریریه را برای ارتقاء کیفی مقاله‌ها سزاوار و حتی «تقلب» شمرده‌اند؛ احتمالاً مُرادشان «تدلیس» است. قیاس مع‌الفارقی است، ولی شاید این عزیزان و ویراستار را همچون مشاطه‌گری می‌بینند که عروس را زیباتر از آنچه هست تحویل داماد می‌دهد (پاره‌ای اوقات هم، زشت‌ترا). قضیه غیر از این حرف‌هاست؛ صفحات مجله بازار روز یا نمایشگاه نیست که هر کس برای خود غرفه مستقلی داشته باشد و از مرغوب و نامرغوب در آن بچیند. هدف غایی این است که نویسندگان مقالات و تحریریه مجله دست به دست هم بدهند و شایسته‌ترین دست‌پخت مشترک خود را به اهل دانش و فرهنگ عرضه کنند. من و تویی در کار نیست.

به‌علاوه، کسی که ویراستار (شاید هم صاحب مقاله) را به «تقلب» متهم می‌کند، چه‌بسا که، به قول امروزی‌ها، توپ را در میدان حریف می‌اندازد. این شگردی دفاعی به منظور پوشاندن ضعف و نقص خود، و مصداقی از نعل وارونه زدن است. چنین عزیزی، از این‌که کسی ضعف او را باز نماید، هراس دارد؛ و الاً چگونه ممکن است فردی به قدری بی‌عیب باشد که ذره‌ای به اصلاح و تذکر محتاج نباشد؟ این احساس بی‌نیازی کاذب به جایی می‌رسد که کسی را که می‌خواهد نوشته‌اش را اصلاح کند، متقلب می‌خواند؛ یا احتمالاً مؤلفی که مقاله‌اش را برای رفع نقص و ارتقاء کیفی به دست دیگری بسپارد، به تقلب منسوب می‌کند. معنای این دیدگاه این است که هیچ بنیاد انتشاراتی و هیچ نشریه‌ای نباید تحریریه داشته باشد، مبدا مرتکب تقلب شود. لابد دستمزدی هم که ویراستاران می‌گیرند پاداش تقلبی است که به ازای قوی‌تر نشان دادن نویسنده کتاب یا مقاله‌ای کرده‌اند.

طبق این استدلال، حتماً کارِ رهبران ارکسترها و کارگردانان سینما و تأثیر نیز تقلب به حساب می‌آید، زیرا آنها هم تلاش می‌کنند عملکرد اعضای ارکستر و بازیگران را بهتر و قوی‌تر از آن عرضه کنند که ممکن بود آنها بدون هدایت، و «سرِخود» عرضه می‌کردند. از اینها گذشته، بهترین نوازندگان و تواناترین هنرمندان سینما و تئاتر، که تردیدی در کمال هنری آنها نیست، هم قبل و هم حین اجرای برنامه، پذیرای اشارات رهبر یا کارگردان‌اند، با این‌که خود حتی می‌توانند در جایگاه آنها قرار گیرند.

از اینها گذشته، چه عیبی دارد اگر نویسنده - با مختصر همکاری و اهتمام تحریریهٔ مجله - قوی‌تر از آنچه واقعاً هست، بنماید؟ آیا این کار سبب تشویق او نمی‌شود؟ این قوی‌ترنمایی تفاوت دارد با بزرگ‌نمایی‌های مبالغه‌آمیز و پُر تکلفی که هر روز و هر هفته در مراسم بزرگداشت این و آن صورت می‌گیرد، یا پس از درگذشت بعضی‌ها در ستایش آنها گفته و نوشته می‌شود. تلاش تحریریه رفتن به سوی کمال نسبی است که نتیجه‌اش باید عاید خوانندگانی شود که لزوماً نه عضو تحریریه‌اند نه در زمرهٔ نویسندگان مقاله. گذشته از اینها، مگر بناست نویسنده همیشه در یک پایه بماند؟ اگر شخص از خود همتی نشان داد و خواهان پیشرفت بود، آیا نباید مقداری هم دست او را گرفت و دلگرمش کرد؟ انسانی که می‌پذیرد جایز الخطاست و همیشه خود را نیازمند اصلاح و تصحیح می‌داند، از اصلاح و تصحیح نه می‌رنجد و نه می‌هراسد. به دانسته‌ها و توانایی‌های محدود خود قانع نمی‌شود و مصداق «الانسانُ عَدُوٌّ لِمَا يَجْهَلُ» نمی‌ماند.

مطلب آخر این‌که تحریریهٔ آینهٔ میراث، مانند عموم نشریات اصول‌مند و مسؤل، به مرور زمان ذخیره‌ای از تجارب علمی و ظرایف و دقایق نگارشی فراهم آورده که راهنمای کلی ویراستاران در ارزیابی و تصحیح مقالات است. منبع مقداری از این تجارب، گوشزدهای داوران مقالات و شماری از خوانندگان موشکاف و دقیق‌النظر (از جمله بعضی از همکاران مقاله‌نویس مجرّب مجله) است. این تجارب یک‌شبه به دست نیامده که بتوان آنها را یک‌شبه و به میل نویسنده هر مقاله تغییر داد یا نادیده گرفت: «هزار نکتهٔ باریک‌تر ز مو اینجاست». البته، دایرهٔ ملاک و معیارهایی که بر پایهٔ این تجارب به دست آمده حریمی چنان گسترده دارد که اکثر مقالات رسیده به راحتی در آن جای می‌گیرد. مع‌ذلک، مشکلات معدودی از مقالات حتی با آن متر و معیارهای کلی هم‌ساز نیست. کدام تحریریه‌ای است

که بخواهد خود را بی‌سبب درگیرِ مقالات پُرمسئله کند و وقت و نیروی خود را هدر دهد؟ مطلوب ویراستاران همواره این است که مقالات بدون مسئله یا کم‌مسئله دریافت کنند. ویراستاری که بعضی از همکاران از او گله دارند، همان ویراستاری است که به ترکیب بیشتر مقالات تقریباً هیچ دست نزده است. پس، لابد اشکالی و علتی در کار است. بنابراین، دوستان گله‌مندِ آینده میراث مطمئن باشند که سیاست تحریریه این مجله اعمال حدّ اقل ممکن کاست و افزود در مقالات آنهاست؛ یقین بدانند که اصلاحاتی که در پاره‌ای از نوشته‌های آنها می‌شود اجتناب‌ناپذیر، و به اقتضای ضوابط و معیارهایی است که از رعایت آنها در بالا بردن درجه دقت محتوایی و کیفیت نگارش مقالات گزیری نیست، ولو این‌که تحریریه یا صاحبان مقالات اصلاح‌شده به «تقلب» منسوب شوند.

م. ک.

پژوهشی در اشعار فارسی تقریظات رشیدیه

مجتبی دماوندی*

سیاوش خوشدل*

چکیده

مجموعه رشیدیه، عنوان چهار کتاب از خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. تقریظات علمای عصر بر این مجموعه از حیث نکات تاریخی، زبانی و ادبی جالب توجه است. همچنین اشتراک موضوع نزدیک به صد مکتوب، این فرصت را فراهم می‌آورد تا بر اساس تفاوت‌های موجود در این تقریظات، به تحلیل و مقایسه عناصر بلاغی در آنها پرداخته شود. در این مقاله به جایگاه اشعار در این تقریظات پرداخته و بسامد بهره‌گیری از مضامین مختلف شعری در تقریظات سنجیده می‌شود. تحلیل محتوا و مضمون اشعار، نشانگر کارکرد و جایگاه شعر در این مکتوبات است. از ۷۲ تقریظ فارسی، در ۴۴ مورد از شعر بهره گرفته شده است. این اشعار در حدود ۲۳۰ بیت و تک‌مصراع هستند. شاعران تعدادی از اشعار شناخته شده‌اند. بسامد بالای بهره‌گیری از شعر برخی شاعران حاکی از اهمیت آنها در عصر تدوین اثر است. برخی اشعار نیز سروده نویسنده تقریظ است و نویافته محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خواجه رشیدالدین فضل‌الله، مجموعه رشیدیه، تقریظات، اشعار نویافته

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۴ تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۲۲

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی / dr.damavandi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی / siavash.khoshdell@yahoo.com

مقدمه

تقریظات علمای عصر خواجه رشیدالدین بر مجموعه تفاسیر او، معروف به مجموعه رشیدیّه، از حیث نکات تاریخی، زبانی و ادبی جالب توجه است. اشتراک موضوع نزدیک به صد مکتوب، این فرصت را فراهم می آورد تا بر اساس تفاوت های موجود در این تقریظات، به تحلیل و مقایسه عناصر بلاغی، زبانی، فکری و فرهنگی در آنها پرداخته شود. به شیوه منشآت قرن هفتم و هشتم، آوردن اشعار عربی و فارسی در این رسالات نیز متداول است. بررسی این اشعار از چند منظر مهم است:

نخست: برخی از نویسندگان این تقریظات، به مناسبت، شعری هم سروده اند و اشعار باقی مانده از آنان به عنوان سروده های شاعران بی دیوان این عصر ارزشمند است.

دوم: از میان نویسندگان این تقریظات، همام الدین تبریزی (۶۳۶-۷۱۴ق) شاعری است که از او دیوان شعری به جای مانده است.

سوم: برخی ابیات از شاعران دیگر تضمین شده اند؛ بسامد این اشعار می تواند بیانگر میزان شهرت و محبوبیت هر یک از این شاعران در زمان نگارش تقریظات باشد.

در این پژوهش، مجموعه اشعار به کار رفته در تقریظات دسته بندی شده و مورد تحلیل مضمونی قرار گرفته است. این تحلیل نشان می دهد که کارکرد اشعار در این نوع به خصوص از متن چیست. دسته نخست موارد موجود در دیوان ها و منظومه هاست. دسته دوم اشعار نویافته بلند و نیمه بلندی است که برخی قطعاً (به تصریح نویسنده در متن تقریظ) و برخی به احتمال زیاد (بر اساس قرائن موجود در شعر) از نویسنده تقریظ است. دسته سوم شامل تعداد قابل توجهی تک بیت، تک مصراع، دو بیت یا سه بیت است که اشعار مستقلی نیستند و در متن، به عنوان تکمله یا مقدمه ای برای عبارات پیش یا پس از خود، به کار گرفته شده اند. در پایان، اشعار نویافته مستقل و اشعار نقل شده از شاعران پیشین به طور کامل نقل شده است.

از آنجا که تقریظات علما بر مجموعه رشیدیّه تصحیح و چاپ نشده، درباره محتوای آنها نیز پژوهش مستقل و جامعی صورت نگرفته است. در معرفی نسخه ها، به وجود این تقریظات اشاره ای گذرا شده است (دانش پژوه، ۱۳۴۸: ۱۵۶، ۱۷۵ و ۳۷۶). مفصل ترین آنها یکی ذکر نام ۱۰۲ نفر نویسنده تقریظ در معرفی نسخه شماره ۱۸۸ دانشکده ادبیات دانشگاه

تهران موسوم به «منشآت» در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات است (دانش‌پژوه، ۱۳۳۹: ۴۸۵-۴۸۱) و دیگری مقدمه هاشم رجب‌زاده بر توضیحات رشیدی است که ضمن اشاره‌ای گذرا به این تقریظات، بیست‌وهشت بیت از یازده تقریظ در وصف خواجه رشیدالدین فضل‌الله به عنوان نمونه ذکر شده است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۹۴: ۱/ شصت‌وشش - هفتاد).

معرفی اجمالی مجموعه رشیدیه و تقریظات:

مجموعه رشیدیه دربردارنده چهار کتاب از خواجه رشیدالدین فضل‌الله است، به این شرح:

- ۱- توضیحات، مشتمل بر دیباچه و نوزده رساله
 - ۲- مفتاح التفاسیر، مشتمل بر هشت رساله در دو فصل
 - ۳- سلطانیه که به اصل و ذیل تقسیم می‌شود
 - ۴- لطائف الحقائق، مشتمل بر مقدمه و چهارده رساله
- تقریظات علما در آغاز مجموعه، در چهار نسخه خطی فارسی موجود است که به اختصار به معرفی آنها پرداخته می‌شود:

- در نسخه شماره ۳۴۱۵ کتابخانه نور عثمانیه از کتاب سلطانی (تاریخ مبارک غازانی) (میکروفیلم شماره ۴۸۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)، ۸۲ تقریظ از پشت برگ ۳۳ تا روی برگ ۱۲۲ موجود است. این نسخه ۴۵۸ برگ دارد و به خط نسخ است. هر صفحه ۱۹ سطر دارد. تاریخ کتابت آن ۷۱۲ق ثبت شده است.

- نسخه خطی شماره ۱۸۸ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران که با نام «منشآت» فهرست شده، حاوی ۶۱ تقریظ است. این مجموعه ۱۲۱ برگ دارد و شامل تعدادی رساله و نامه است. بخش اعظم این مجموعه به همین تقریظات اختصاص دارد؛ از پشت برگ ۱۹ تا روی برگ ۹۳ را شامل می‌شود. نسخه به خط نسخ است و هر صفحه ۲۱ سطر دارد. علامه قزوینی، به‌قرینه ذکر نام شاه شجاع، تاریخ کتابت آن را پس از ۷۶۰ق دانسته است (به‌نقل از دانش‌پژوه، ۱۳۳۹: ۴۸۸).

- در نسخه خطی شماره ۲۲۱۷ کتابخانه ملی پاریس، از کتاب لطائف الحقائق (میکروفیلم شماره ۹۸۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) تعداد ۸۳ تقریظ گردآوری شده است. نسخه ۱۹۲ برگ دارد. تقریظات از پشت برگ ۱۸ آغاز می‌شود و تا روی برگ ۸۵ را شامل می‌شود. هر صفحه ۲۱ سطر دارد. این نسخه فاقد تاریخ است.

- در نسخه خطی شماره ۳۸۳۳ کتابخانه ایاصوفیا از لطائف الحقائق (میکروفیلم شماره ۴۱۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ۵۲ تقریظ موجود است. این نسخه ۲۰۲ برگ و هر صفحه آن ۲۵ سطر دارد. تقریظات از پشت برگ ۱۳ آغاز می شود و در پشت برگ ۵۵ خاتمه می یابد. این نسخه نیز فاقد تاریخ کتابت است.

خواجه رشیدالدین فضل الله، در توضیح کوتاهی که در آغاز این مجموعه نوشته، مدت زمان تألیف این چهار اثر را کمابیش یک سال ذکر کرده است. سپس تصریح می کند که هر یک از افاضل و اکابر حکماء عصر که این کتب را مطالعه کرده بوده اند، بر آن فصلی نوشته اند. او این نوشته ها را دارای فواید بسیار می داند و از این رو آنها را در آغاز کتاب های چهارگانه قرار می دهد. متن مقدمه خواجه رشیدالدین فضل الله که در معرفی این مجموعه حائز اهمیت است، ذیلاً نقل می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا» اما بعد؛ حمداً لله تعالى والصلاة والسلام على نبيه محمد وآله وصحبه أجمعين؛ چنین گوید ضعیف ترین خلائق و محتاج ترین به رحمت حق، جلّ و علا، فضل الله بن ابی الخیر المشتهر بالرشید الطیب، ختم الله له بالحسنی، که فضل و کرامتی که حق تعالی در حق این بنده ضعیف کرده، عظیم بسیار است و در شمار نتواند آورد و از آن جمله یکی آنکس توفیق رفیق گردانید، تا با وجود استغراق به اشغال بسیار، به موجبی که در متن این کتب به هر موضع یاد کرده، شروع نمود و در بعضی اوقات از شب پیش از صبح، در کمابیش مدت یک سال، این چهار کتاب را که در مجموعه جلد کرده شد، تصنیف کرد و گفت:

شعر

فكانت بالعراق لنا ليال
وجعلناهنّ تاريخ الليالي
شرقناهنّ من ريب الزمان
وعنوان المقاصد والأمانی

و چون احوال و کیفیت و سبب شروع در هریک از آن، در ضمن هر کتابی و رسائلی که در آن مندرج است، به شرح یاد کرده شد، اینجا مکرّر نمی گردانند و هرچند این کتب را هر یک علی الانفراد در مجلّدی نوشته، خواست که آن را در یک مجلّد جمع کرده، بنویسد و جهت یادگار آن را وقف کند تا در قبه رب رشیدی بر سر تربت این ضعیف نهاده باشد و دوستانی که آنجا رسند، به هر وقت مطالعه

کرده ما را یاد کنند، و اگر خواهند که از آن نسختی گیرند، قطعاً از ربع رشیدی بیرون نبرند؛ هم در آنجا نسخت گیرند و این نسخه را بر سر تربت بگذارند. و چون جهت آنک تا هم مستعربان را و هم فرس را از آن فایده باشد، این کتب را هم به عربی و هم به فارسی نوشته شد و وقف قبه مذکور کرده آمد و همچنین از هر یک از آن کتب، مفرد مفرد نسختی عربی و نسختی فارسی نوشته شد و وقف قبه مذکور کرده، وقفی مؤبد مخلصه که «لَا يُبَاغُ وَلَا يُوهَبُ وَلَا يُورَثُ» «إِلَى أَنْ يَرثَ اللَّهُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَهُوَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، باید که فرزندان که متولّی ربع رشیدی باشند، چون به مرور ایام این نسخه کهن و نامقروء گردد، عوض آن بر همین منوال، به خطی خوب، به همین ترتیب و تهذیب و تذهیب بنویسند و مقابله کرده و مصحح گردانیده، با این مجموعه کهن شده بر سر تربت بنهند تا فایده آن منقطع نگردد و دائم باشد إِنْ شَاءَ اللَّهُ تعالی. و چون اکابر افاضل و حکماء عصر که این کتب را در مطالعه آورده بودند، هر یک از کمال کرم و لطف جبلّی و وفور علم و فرط فضایل بی پایان خویش فصلی نبشته، بعضی در اوّل و بعضی در آخر و این ضعیف را سرافراز و این کتب را مزین گردانیده و این سخنان لطیف و عبارات ایشان هر یک با فایده تر از مجلّدی کتاب تواند بود و مطالعه کنندگان را از آن فواید بسیار. بدان سبب واجب دید که بر همان موجب، سخن آن بزرگان در اوّل این مجموعه نوشته باشد، بعد از آن در نوشتن کتب شروع رود؛ وَاللّٰهُ الْمَوْفِقُ الْمَعِين.

نویسندگان تقریظات اغلب از قاضیان و حکما و مشایخ هستند. خلاصه کلام هر تقریظ، تأیید ارزش و اعتبار مجموعه تفاسیر و تمجید از مقام نویسنده آنهاست. گردآوری این مکاتیب در تأیید ارزش و اعتبار اثر خواجه رشیدالدین، واکنشی است به دشمنی رقیبان خواجه که اسلام او را ریایی می خواندند.

دشمنان سیاسی رشیدالدین برای خوارکردن وی در چشم مردم، سعی داشته اند که اسلام او را ظاهری و ریایی جلوه دهند. در رأس آنان، رقیب سیاسی او سعدالدین ساوجی و اطرافیانش بوده اند. سعدالدین که با رشیدالدین در وزارت شرکت داشت، شیعی مذهب بود و رشیدالدین سنی شافعی (رجب زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۷). ... فقط دشمنان رشیدالدین و کسانی که به یهودی بودنش متهم کرده اند، او را رشیدالدوله نامیده اند... موافقانش که اسلام وی را حقیقی دانسته اند، همه او را «رشیدالدین» یا «رشیدالدوله و الدین» خوانده اند (رجب زاده، ۱۳۵۵: ۸۱).

در واقع این تقریظات در حکم فتوایی در تأیید نوشتن تفسیر قرآن برای خواجه رشیدالدین فضل‌الله است. با توجه به این زمینه تاریخی، بررسی جنبه‌های بلاغی این تقریظات، با توجه به موضوع و نیز وحدت موضوع آنها، حائز اهمیت است. یکی از این جنبه‌ها، کارکرد اشعار است.

تعداد و پراکندگی اشعار در مجموعه تقریظات

در چهل و چهار مورد از هفتاد و دو تقریظ فارسی، اشعاری نقل شده است. در این تقریظات، نود و چهار مصراع، تک‌بیت، رباعی، دوبیتی، قصیده، قطعه یا بخشی از یک مثنوی، قطعه یا قصیده، همه به فارسی، نقل شده است. این تعداد شامل دویست و بیست و نه بیت و پنج مصراع است (این عدد، با احتساب چهار بیت تکرار شده است). در چهل و نه تقریظ فارسی، از اشعار عربی نیز بهره گرفته شده است. صد و چهار مورد به صورت یک مصراع، تک‌بیت یا چند بیت عربی نقل شده است. این تعداد شامل صد و پنجاه و هفت بیت یا مصراع است. در سیزده تقریظ از شعر استفاده نشده است. در شانزده تقریظ فقط از شعر عربی، و در یازده تقریظ فقط از شعر فارسی استفاده شده است. در سی و دو تقریظ هم شعر فارسی و هم شعر عربی به کار رفته است.

قالب‌های اشعار فارسی

- از مجموعه ابیات، پنجاه و یک بیت در قالب قصیده است. از این میان، یک قصیده بیست و شش بیتی در تقریظ کمال‌الدین زنجانی (زنده در ۷۰۶ق) و سروده خود اوست. باقی ابیات، از یک بیت گرفته تا هفت بیت، بخشی از یک قصیده هستند.
- سی و هشت بیت و یک مصراع در قالب غزل هستند، که از میان آنها یک غزل شش‌بیتی در تقریظ زین‌الدین محمدبن محمد کیشی قرشی (زنده در ۷۰۶ق) و از خود اوست. دیگری، غزلی نه‌بیتی در تقریظ شمس‌الدین محمد مستخرج تبریزی (زنده در ۷۰۶ق) است و از محتوای آن چنین برمی‌آید که سروده نویسنده تقریظ است. در تقریظ محمدبن عبدالله هاشمی قزوینی (زنده در ۷۰۶ق) نیز غزلی هشت‌بیتی آمده که از خود

اوست. غزل هفت‌بیتی در تقریظ محمد بن محمود بن ابی‌بکر استرآبادی (زنده در ۷۰۶ق)، قاضی ری، نیز از نویسنده تقریظ است. شش بیت و یک مصراع نیز از میان غزل‌های مختلف درج شده است که همگی از سعدی (د. ۶۹۴ق) است. دو بیت از یک ترجیع‌بند فخرالدین عراقی (۶۱۰-۶۸۸ق) نیز نقل شده است.

- برخی ابیات به احتمال زیاد در قالب قطعه هستند. هرچند که احتمال دارد شماری از آنها بخشی از یک قصیده یا غزل باشند، ولی مضمون این ابیات و جایگاه و نوع استفاده از آن در تقریظ، احتمال این را که قطعه‌ای سروده راقم باشد، تقویت می‌کند. مجموعه این موارد هشتاد و هشت بیت است. از میان این‌ها سیزده قطعه، هر یک دو بیت دارد و به‌غیر از دو بیت که از همام‌الدین تبریزی نقل شده است، احتمالاً از راقم تقریظند. اشعار دیگر در تعداد سه، چهار، پنج، هفت، هشت، نه و یازده بیت هستند. به‌غیر از سه بیت که از همام‌الدین تبریزی نقل شده است، احتمال این هست که دیگر ابیات از نویسنده تقریظ باشد. دو بیت و سه بیت منقول از همام‌الدین تبریزی برگرفته از یک قطعه هستند و یک بیت مشترک دارند.

- قالب بیست بیت را به‌طور دقیق نمی‌توان تعیین کرد. احتمالاً از متن یک قصیده، قطعه یا غزل و یا ترکیب‌بند و ترجیع‌بندی با مضامین قصاید و غزلیات انتخاب شده است. به‌غیر از یک بیت که دو بار تکرار شده، از محتوا و مضمون ابیات چنین برمی‌آید که از جنس غزل نیستند.

- شش بیت در قالب مثنوی در تقریظات به کار رفته است. دو بیت متوالی از بوستان سعدی، یک بیت از شاهنامه فردوسی (۳۲۹-۴۱۶ق)، یک بیت از ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی (زنده در ۴۴۶ق) است و سراینده دو بیت نیز شناخته نیست. هفت تک‌بیت مقفاً نیز در تقریظات به کار رفته است. با توجه به مضمون و جایگاه بیت در تقریظ، احتمال دارد برخی از این هفت بیت سروده نویسنده هر تقریظ باشد. دو تک‌مصراع نیز در تقریظات آمده است.

- چهارده بیت و دو مصراع در قالب رباعی هستند. از این میان سه رباعی کامل است. یک رباعی کامل از مسعود سعد سلمان (۴۳۸-۵۱۵ق)، یک رباعی کامل از عطار نیشابوری (۵۵۳-۶۲۷ق)، چهار بیت از خاقانی (۵۲۰-۵۹۵ق)، انوری (۵۸۳ق)،

مهستی گنجه‌ای (۴۹۰-۵۵۷ق) و سیدحسن غزنوی (د. ۵۶۵ق)، یکی از دو مصراع از فخرالدین عراقی و دیگر مصراع از سلمان ساوجی (د. ۷۰۹ق) است.

- از مهم‌ترین اشعار نویافته این تقریظات، دو بیت از فهلویات در تقریظ فخرالدین لر است:

کیان و اویان دو زانستن روا نی زانک اومان و کیان از هم ودانی
کیان و اویان بهم بامیته شانی ندانم کیان کیان اویان کیانی

مضامین اشعار

مضمون کلی اکثر اشعار، ذکر محاسن خواجه رشیدالدین فضل‌الله و بیان عظمت و اعتبار آثار اوست. طبیعی است که مضامین بیشتر حول محور آثار قلمی رشیدالدین فضل‌الله باشد. در کنار این موضوع اصلی، ابیات معدودی نیز در حمد خدا و نعت پیامبر و مباحث عرفانی و کلامی است. برای طبقه‌بندی دقیق‌تر مضامین اشعار، آنها را به سه دسته کلی تقسیم کرده‌ایم. دسته نخست اشعار بلندی که قطعاً یا به احتمال بسیار زیاد سروده راقم هر تقریظ است. از این میان، یک قطعه به‌طور کامل مضمون عرفانی دارد و بقیه در ذکر اوصاف تألیفات خواجه رشیدالدین فضل‌الله است. دسته دوم تکبیت‌ها و قطعه‌های کوتاهی هستند که در میان عبارات نثر آورده شده، و در پیوند با مضمون عبارات پیش یا پس از خود هستند. دسته سوم اشعاری هستند که نویسنده تقریظ از دیگر شاعران نقل کرده است. اشعار دسته دوم و اکثر اشعار دسته سوم کارکرد مشابهی دارند؛ اما از آنجا که احتمال می‌رود بخشی از اشعار دسته دوم سروده نویسنده تقریظات باشد، در دسته جداگانه‌ای بررسی می‌شود تا مضامین اشعاری که قطعاً نقل شده هستند، به‌طور جداگانه استخراج شود:

الف. اشعار نقل شده از دیگر شاعران

نوزده بیت از انوری در هفت تقریظ، هشت بیت و یک مصراع از سعدی در هفت تقریظ، شش بیت از عطار نیشابوری در یک تقریظ، پنج بیت از همام‌الدین تبریزی در دو تقریظ (به‌غیر از هفت بیتی که در تقریظ خود او آمده است)، دو بیت و یک مصراع از فخرالدین عراقی در دو تقریظ، دو بیت از مجیرالدین بیلقانی (۵۸۶ق) در یک تقریظ، دو

بیت از مسعود سعد سلمان در یک تقریظ، شش تک‌بیت از فردوسی، عنصری، خاقانی، سیدحسن غزنوی، مهستی گنجه‌ای و فخرالدین اسعد گرگانی و یک تک‌مصراع از سلمان ساوجی، مجموعه اشعاری است که در دواوین و منظومه‌های شاعران یافته شد. این اشعار در بخش پایانی مقاله آمده است. مضامین و موضوعات ابیات نقل شده از شاعران، به ترتیب بیشترین تکرار، از این قرارند:

الف. ۱. مضامین مرتبط با آثار خواجه رشیدالدین: ۲۱ بیت

- احتوای آثار خواجه رشیدالدین بر معانی و مفاهیم دقیق و ارزشمند: ۱۲ بیت در ۷ تقریظ

- تحسین کلام و بیان خواجه رشیدالدین: ۷ بیت در ۶ تقریظ

- تأثیر کلام خواجه رشیدالدین: ۲ بیت در ۱ تقریظ

الف. ۲. مضامین مرتبط با اوصاف و احوال خواجه رشیدالدین: ۲۰ بیت و ۳ مصراع

- ذکر عظمت و برتری مقام خواجه رشیدالدین: ۴ بیت و ۱ مصراع در ۴ تقریظ

- وصف رای و علم و فضل خواجه رشیدالدین: ۴ بیت در ۳ تقریظ

- بخشندگی خواجه رشیدالدین نسبت به مردمان و حسن خلق او: ۳ بیت و ۱ مصراع در ۴ تقریظ

- دعای بقا و عزّت و عون الهی برای خواجه رشیدالدین: ۲ بیت در ۲ تقریظ

- عنایت و فضل الهی نسبت به خواجه رشیدالدین: ۲ بیت در ۲ تقریظ

- ستودگی خواجه رشیدالدین: ۱ بیت

الف. ۳. دیگر مضامین (مضامین عرفانی، نعت پیامبر، جزئی از زنجیره کلام): ۹ بیت

- مضامین عرفانی: ۶ بیت در ۲ تقریظ

- نعت پیامبر: ۲ بیت در ۱ تقریظ

- جزئی از زنجیره کلام: ۱ بیت

الف. ۴. مضامین مرتبط با نویسنده تقریظ:

- کوچک شمردن خود در برابر خواجه رشیدالدین و بیان احتیاج نسبت به او: ۴ بیت

و ۱ مصراع در ۲ تقریظ

ب. اشعار مستقل سروده شده برای درج در تقریظ

این دسته از اشعار در قالب های غزل، قطعه و قصیده هستند و با وجود پیوند با متن نثر، می توان آنها را در جایگاه شعری جداگانه، خارج از متن بررسی کرد. در پنج مورد، نویسنده تقریظ به این که شعر را سروده، تصریح کرده است و در هشت مورد به این نکته اشاره ای نشده است. بلندترین شعر در تقریظات قصیده ای بیست و شش بیت است که نویسنده تقریظ، کمال الدین زنجانی، به سرودن آن تصریح کرده است. فخرالدین لر در قطعه ای نُه بیتی، تخلص خود، «فخر لر» را آورده است. غزل هشت بیتی تقریظ محمد بن عبداللّه هاشمی قزوینی (زنده در ۷۰۶ق) به بیان نویسنده، از خود اوست. در تقریظ محمد بن محمود بن ابی بکر استرآبادی (زنده در ۷۰۶ق)، یک غزل هفت بیتی درج شده که نویسنده به سرودن آن اشاره کرده است. احتمال این هست که قطعه پنج بیتی این تقریظ نیز از نویسنده باشد. در تقریظ شرف الدین زاهد بسطامی (زنده در ۷۰۶ق) نیز قطعه ای یازده بیتی درج شده است؛ از یادکرد لقب خواجه رشیدالدین فضل الله و مضامین مرتبط با تألیفات او برمی آید که این قطعه سروده نویسنده تقریظ است. در تقریظ شمس الدین محمد مستخرج تبریزی (زنده در ۷۰۶ق) دو قطعه پنج بیتی و هشت بیتی و یک غزل نُه بیتی آمده است. هرچند نویسنده اشاره ای به سراینده این اشعار نکرده است، اما از یادکرد نام و القاب خواجه رشیدالدین فضل الله و مضامین ابیات که جملگی در توصیف تصنیف و تألیف خواجه است، برمی آید که به احتمال زیاد خود او اشعار را سروده است. در تقریظ علی بن محمود بن عمر خراسانی یازری (زنده در ۷۰۶ق)، قطعه ای چهار بیتی درج شده است، که احتمالاً از نویسنده تقریظ است. این اشعار در بخش پایانی مقاله حاضر نقل شده است. دسته بندی مضامین این اشعار به شرح زیر است:

الف. ۱. مضامین مرتبط با آثار خواجه رشیدالدین: ۳۲ بیت

- احتوای آثار خواجه رشیدالدین بر معانی و مفاهیم دقیق و ارزشمند: ۲۰ بیت از ۷ شعر در ۵ تقریظ
- تحسین کلام و بیان خواجه رشیدالدین: ۸ بیت از ۳ شعر در ۲ تقریظ
- تأثیر کلام خواجه رشیدالدین: ۲ بیت از ۱ شعر
- ماندگاری تصانیف خواجه رشیدالدین: ۲ بیت از ۱ شعر

الف. ۲. مضامین مرتبط با اوصاف و احوال خواجه رشیدالدین: ۴۷ بیت

- وصف رای و علم و فضل خواجه رشیدالدین: ۲۲ بیت از ۷ شعر در ۶ تقریظ
- جایگاه خواجه رشیدالدین در احیای دین و ارشاد خلق: ۸ بیت از ۱ شعر در ۱ تقریظ
- دعای بقا و عزّت و عون الهی برای خواجه رشیدالدین: ۵ بیت از ۳ شعر در ۳ تقریظ
- ذکر عظمت و برتری مقام خواجه رشیدالدین: ۴ بیت از ۳ شعر در ۳ تقریظ
- بخشندگی خواجه رشیدالدین نسبت به مردمان و حسن خلق او: ۳ بیت از ۲ شعر در ۲ تقریظ

- اقدام خواجه رشیدالدین در راه آبادانی: ۳ بیت از ۱ شعر در ۱ تقریظ
 - عنایت و فضل الهی نسبت به خواجه رشیدالدین: ۱ بیت در ۱ تقریظ
 - اقبال و ظفرمندی و حاجت‌روایی خواجه رشیدالدین: ۱ بیت در ۱ تقریظ
- الف. ۳. دیگر مضامین: ۱۶ بیت

- مضامین عرفانی: ۹ بیت از ۱ شعر در ۱ تقریظ
- مدح سلطان: ۷ بیت از ۱ شعر در ۱ تقریظ

پ. ابیات پراکنده

تکبیت‌ها و تک‌مصرع‌ها و دوبیت‌ها و سه‌بیت‌های پراکنده‌ای هستند که در متن قرینه‌ای حاکی از انتساب آنها به نویسنده تقریظ وجود ندارد و در دواوین و منظومه‌های شعرای پیشین نیز یافت نشدند. دسته‌بندی مضامین این اشعار به این شرح است:

پ. ۱. مضامین مرتبط با آثار خواجه رشیدالدین: ۲۶ بیت

- احتوای آثار خواجه رشیدالدین بر معانی و مفاهیم دقیق و ارزشمند: ۱۳ بیت در ۱۱ تقریظ (با احتساب یک بیت که در دو تقریظ آمده‌است)
- تحسین کلام و بیان خواجه رشیدالدین: ۱۲ بیت در ۱۰ تقریظ
- تأثیر کلام خواجه رشیدالدین: ۱ بیت در ۱ تقریظ

- پ. ۲. مضامین مرتبط با اوصاف و احوال خواجه رشیدالدین: ۴۰ بیت
- وصف رای و علم و فضل خواجه رشیدالدین: ۱۵ بیت در ۱۰ تقریظ
 - ذکر عظمت و برتری مقام خواجه رشیدالدین: ۱۳ بیت و ۱ مصراع در ۱۱ تقریظ (با احتساب دو بیت که هر کدام در دو تقریظ آمده است)
 - بخشندگی خواجه رشیدالدین نسبت به مردمان و حسن خلق او: ۵ بیت در ۵ تقریظ
 - دعای بقا و عزت و عون الهی برای خواجه رشیدالدین: ۴ بیت در ۴ تقریظ
 - ستودگی خواجه رشیدالدین: ۴ بیت در ۴ تقریظ
 - اقبال و ظفرمندی و حاجت‌روایی خواجه رشیدالدین: ۵ بیت در ۳ تقریظ
 - جایگاه خواجه رشیدالدین در احیای دین و ارشاد خلق: ۳ بیت در ۲ تقریظ
 - عنایت و فضل الهی نسبت به خواجه رشیدالدین: ۱ مصراع در ۱ تقریظ
- پ. ۳. مضامین مرتبط با گوینده: ۴ بیت
- وصف حال نویسنده در مقام نوشتن تقریظ: ۲ بیت در ۲ تقریظ
 - کوچک شمردن خود در برابر خواجه رشیدالدین و بیان احتیاج نسبت به او: ۲ بیت در ۲ تقریظ
- پ. ۴. دیگر مضامین: ۶ بیت
- وصف خدا: ۲ بیت در ۲ تقریظ
 - مضامین عرفانی: ۲ بیت در ۱ تقریظ (یک دوبیتی از فهلویات)
 - نعت پیامبر: ۱ بیت در ۱ تقریظ
 - وصف خرد: ۱ بیت در ۱ تقریظ

نتیجه‌گیری

از مقایسهٔ بسامد مضامین به‌کار رفته در مجموعهٔ اشعار تقریظات، این نتیجه حاصل می‌شود که اغلب اشعار از لحاظ مضمون در دو دستهٔ پرکاربرد جای می‌گیرند: دستهٔ نخست دربارهٔ کتاب خواجه رشیدالدین فضل‌الله و دستهٔ دوم پیرامون مقام و شخصیت او. مقایسهٔ

نهایی بسامد این دو، نموداری از زاویه نگاه نویسندگان نسبت به ماهیت کارشان در بهره‌گیری از اشعار در تقریظ است. البته این بسامدسنجی به‌طور کامل و دقیق، بر روی متن اثر کتاب نیز باید صورت گیرد که در حوزه بحث حاضر نمی‌گنجد.

جدول مقایسه بسامد مضامین	تعداد ابیات حول محور اثر	ابیات حول محور نویسنده
اشعار مستقل نویسندگان	۳۲	۴۷
اشعار نقل شده از دیگر شاعران	۲۱	۲۳
اشعار پراکنده	۲۶	۴۰
مجموع	۷۹	۱۱۰

چنان‌که از این مقایسه برمی‌آید، از میان دو مضمون پرسامد، بیشتر به شخصیت و مقام سیاسی و علمی خواجه رشیدالدین پرداخته شده است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که هدف اصلی از به‌کارگیری اشعار در تقریظات، در درجه نخست، احترام نسبت به شخص خواجه رشیدالدین فضل‌الله و در درجه دوم، پرداختن به مقام و ارزش اثر اوست. این مقایسه در ارتباط با زمینه تاریخی اختلافات برخی بزرگان با خواجه رشیدالدین فضل‌الله و انتساب اسلام ریایی به وی، جالب توجه است.

متن اشعار مستقل سروده شده برای درج در تقریظ

الف. اشعاری که نویسنده تقریظ به سرودن آنها تصریح کرده است:

الف. ۱. همام‌الدین تبریزی

و چون بنده ضعیف همام‌التبریزی - أحسن الله عاقبه - در مطالعه این رسایل که

وسایل اهل فضایل است، به مشارب معارف و حقایق، از آب حیات معانی سیراب شده، دو سه بیت در قلم آورد:

آب حیات در ظلمات است و سوی آن	جز خضر ره نیافت کس از خلق کاینات
تو آفتاب ملکی و من در تعجبم	کز آفتاب گشت روان چشمه حیات
گر پرتوی ز نور درونش رسد به هند	خالی شود ز ظلمت اشراک سومنات

ای روح بخش تر سخت ز آب زندگی و ای مفتحر به بندگی لهجه‌ات نبات
حاصل شود به یک نفسی از اشارت دل را شفا و جان فرومانده را نجات
غواص بحر در همه عمر آن گهر نیافت کافشاند نوک کلک تو بر کاغذ از دوات
از آب علم بحر دلت باد موج زن تا هست سوی بحر روان دجله و فرات
این چهار بیت در دیوان او این گونه ضبط شده است:

آب حیات در ظلمات است و سوی آن جز خضر ره نبرد کس از خلق کاینات
گر پرتوی ز نور درونت رسد به هند خالی شود ز ظلمت اشراک سومنات^۱
ای روح بخش تر سخت ز آب زندگی و ای مفتحر به بندگیت لهجه نبات^۲
حاصل شود به یک نفس از یک اشارت دل را شفا و جان فرومانده را نجات^۳
(همام‌الدین تبریزی، ۱۳۵۱: ۴۵)

الف. ۲. زین‌الدین محمدبن محمد کیشی قرشی

چون خدمتکار مخلص و چاکر متخصص بر جواهر زواهر و فراید فواید مخدوم اعظم،
صاحب اعدل اعلم، مخدوم سلاطین وزراء العالم، رشید الحق و الدین... مطلع شد... و به
سعادت مطالعه آن مشرف گشت، چه دید... و در آن باب به گوش دل و جان از ملأ اعلی
چه شنید؛

شعر

زنده گردانید عالم را دگر ز آسمان عیسی فروآمد مگر
کرد احیاء علوم مرده را از دم جانبخش خود بار دگر
علم سرّ غیب شد علم الیقین از اشارات وزیر دادگر
خواجه عارف جهان عقل و علم مظهر حق مظهر سرّ قدر
مهدی هادی رشید دین حق ملک را جان و دل و سمع و بصر
علم باد از او همیشه سرفراز عقل باد از او همیشه بساظر

۱. ضبط دو نسخه از تقریظات، با ضبط دیوان یکسان است.

۲. ضبط یک نسخه از تقریظات، با ضبط دیوان یکسان است.

۳. ضبط دو نسخه از تقریظات، با ضبط دیوان یکسان است.

الف. ۳. فخرالدین لر

جمله مر آب را حباب بود	موج‌هایی که بحر هستی راست
در حقیقت حباب آب بود	ورچه آب و حباب دو نماید
راست چون هستی سراب بود	پس از این روی هستی اشیا
چون نگو بنگری بر آب بود	که نماید ز دور آب و لیک
چون بینی همه خراب بود	پس عمارات هستی اشیا
که خطا اندر او صواب بود	این خرابات اهل توحید است
نقی ذات و صفت کباب بود	نیستی ساقی است و هستی نقل
زخمه و نغمه رباب بود	بی خودی مطرب است و شیفتگی
که فنا جام و حق شراب بود	فخر لر این معاشرت آنجاست

الف. ۴. کمال‌الدین زنجانی

در اثنای این تقریر از عکس پرتو کلمات توضیحات مخدوم - عز نصره - شعاعی بر خاطر این ضعیف افتاد و بیتی چند مناسب دست داد؛ چون مستفاد از ارشاد این بارگاه داده بود - منه بدأ و الیه یعود - آن ابیات را با معاد فرستاد؛ مقبول و ملحوظ باد.

که دین را داد عادل پادشایی	هزاران منت و شکر از خدایی
سکنند در گهی فرمانروایی	فریدون فرّ نوشروانروانی
نیارد مثل او یوسف لقایی	جهان گیر الجتو سلطان که گردون
عمر عدل و عطا عثمان حیایی	پیمبر سیرتی بوبکر صدقی
چو حمزه شیردل در هروغایی	علی علمی حسن خلقی جوادی
از این به در جهان نبود دعایی	به کام جان خود جاوید بادا
به دستور وی آرم التجایی	دعای الجتو سلطان چو گفتم
نبوده چون تو هرگز کدخدایی	رشید ملک و دین ای ملک و دین را
ندیده مثل تو پاکیزه‌رایی	فلک با صد هزاران دیده باز
که بیش از عالم آمد هر عطایی	زهی حق کرده با نفست عطاها

گذشته بر متون سرّ آیات
بطون اندر بطونش رفته دیده
به الهام اله از علم اسما
چو تصنیف تو هست اسرار قرآن
نبی را و نبی را چون تو شناخت
محمّد را چنان تعریف کردی
به توضیحات و ضّاح رشیدی
به مفتاح تفاسیر از سر علم
شکستی در دهن دندان بدعت
قوی حقّی است این بر دین اسلام
بماند در جهان تا نفخه صور
بسی کردی عمارت های عالی
هزارت خانقاه و مدرسه هست
یکی را ربع مسکون عشر اوقاف
ولی هرگز نماند آن به تصنیف
بقایست لایزالی باد یارب

ز رویش کرده کشف هر غطایی
ز هر تحقیق و تدقیق صفایی
شده وحدانیت هر مبتغایی
گرش خوانم نبی نبود خطایی
ز معروفان به عرفان پیشوایی
کز آن برتر نباشد منتهایی
شدی خلق جهان را رهنمایی
میسر شد تو را فتح و غزایی
زبان زآن بست هر هرزه درایی
که باد از حق تو را بهتر جزایی
تصانیف به هر شهری و جایی
که از شاهان نیامد زآن بنایی
برابر مسجد و دار شفایی
یکی را خلد چون بستان سرایی
که ماند این و یابد آن فنایی
که هستی درخور زین سان بقایی

الف. ۵. محمّد بن عبد الله الهاشمی القزوینی

از رموز خزاین سرایر و کنوز دقایق ذخایر حظ او فر برداشتم، چه بحری دیدم مملو از
نوادر جواهر... و چون عقود منظم که برداشته بودم، موجب نظام حال من شد این دعای
منظوم از خاطر سر برزد؛

شعر

ای ز نور رای تو ملک جهان آراسته عالم از احسان و عدلت چون جنان آراسته

ز اقتباس نور رایت جاودان آراسته	مهر و ماه آسمان ملک و دین در روز و شب
چون بنی آدم که هست از نور جان آراسته ^۱	ملک و دولت را ز لوح خاطر و قناد تو
هم جهان علم و هم علم جهان آراسته	هم تصانیف تو هست آراسته زان واردات
از ره معنی که هستی بی گمان آراسته	قرب شش سالی بود کین بنده را باشد یقین
زاستفادت شد مرا جسم و روان آراسته	بنده چون در صورت علم تو آن معنی بدید
تا بود ز آن هفت آبا آسمان آراسته	باد یارب تا کند این چار ارکان مادری
در پناه جباه تو چون توأمان آراسته	ملک و دین و ملت اندر عدل و انصاف و امان

ب. اشعاری که بر اساس اشارات موجود در متن، به احتمال زیاد از نویسنده تقریظ است.

ب. ۱. شرف الدین زاهد بسطامی

چو چرخ بنده او گشت و هست جان سخن	ز راه نظم سرایم مدیح آنکه جهان
که آشکار بود بر دلش نهان سخن	سپهر مجد و معالی رشید دولت و دین
کمینه نکته خویش بود جهان سخن	چنانکه هست ز خلقش عبیر و مشک خجل
مگر که لفظ روانش بود روان سخن	مسیح وار کند مرده زنده از دم خویش
شریف ذهن لطیفش بود مکان سخن	اگر عقول علو سخن کنند طلب
که او زبان بگشاید کند بیان سخن	دهان عقل بخندد به کام دل از جان
که چون شده است پر از مغز استخوان سخن	به نزل فضل در ایام دولت او بین
زهی ز رمز تو در فجر آسمان سخن	ایا به فضل و بزرگی گرفته روی زمین
از اوست آنک بمانده است خود نشان سخن	به جز وجود کریمت که مردمی زو خاست

۱. در نسخه کتابخانه «نور عثمانیه»، به جای «ملک»، «ملت» ضبط شده است. هرچند به نظر می‌رسد در اصل همان «ملک» بوده و نونویس شده است. بر روی «را» نیز خط کشیده است و به این ترتیب، ضبطی به دست داده شده که از نظر معنا بر ضبط فوق ترجیح دارد: ملت و دولت ز لوح خاطر و قناد تو

چون بنی آدم که هست از نور جان آراسته

به موضعی که حدیثی ز معضلات رود بود اشارت سهل تو داستان سخن
چو مردمی و چو عنقا سخن شدی پنهان اگر نبودی لفظ تو ترجمان سخن

ب. ۲. محمد بن محمود بن ابی بکر استرآبادی، قاضی ری

ب. ۱. ۲.

ای فضل تو عید اهل معنی وی روز فضایل تو نوروز
وی منتهیان عالم غیب در مکتب دانشت نوآموز
طبع تو که پهلوان فضل است بر لشکر جهل گشته پیروز
از ذره حقیر تر نمایم با رای تو مهر گیتی افروز
فضل تو فزون ترست هر دم لطف تو زیادت است هر روز

ب. ۲. ۲.

ز تصنیف تو ای شاه افاضل روان دیدم دو صد بحر فضایل
به الفاظی که از سحر حلالش خجل شد هر زمان سبحان وائل
جزالت های الفاظ و معانیش نگردد مندرج اندر رسایل
به کنه نکته هایش عقل دزاک نیابد ره و گرجوید و سایل
به برهان احتیاجت نیست در فضل همین بس بر هنرهایت دلایل
علوم اولین و آخرین را به آخر برده چون علم اوایل
خدایت حافظ و دولت قرین باد سعادت گشته از مکروه حایل

ب. ۳. علی بن محمود بن عمر خراسانی یازری

جهان ز فیض علوم تو آنچنان پر شد که هیچ اشعری ای دعوی خلا نکند
عروس شرمگن غیب اگر چه مستور است به پیش خاطر تو پرده و حیا نکند

دکاء خور نکند معضلات شب را حل اگر ضمیر تواس یاری ضیا نکند
تو مقتدای جهانی و برخطر باشد هر آن کسی که تقیّل به مقتدا نکند

ب. ۴. شمس الدّین محمّد، مستخرج تبریزی

ب. ۴. ۱.

یکی شعر دیدم ز انشاء طبعت چو گوهر که در مغز عنبر نشانی
ترو تازه همچون گل نوشکفته خوش و خوب چون روزگار جوانی
چو طبع تو در وی فنون لطافت چو ذات تو در وی هزاران معانی
به خطّی چو زنجیر مشکین مقید ولکن چو آب روان از روانی
سخن ز آسمان بر زمین آمد اوّل کنونش تو بر آسمان می‌رسانی

ب. ۴. ۲.

دی به وقت صبح باغی خوشتر از جان یافتم گلشنی راحت‌فزا چون روی جانان یافتم
رسته در وی مشک بر کافور و سنبل بر سمن و از شکوفه شاخ عودش عنبرافشان یافتم
شاهدان دیدم در او سیمین‌عذار و مشک‌خط کاندن آن خط چشم ابن‌المقله حیران یافتم
نسخه‌ای دیدم که هرچ آن دارد از هستی رقم سرّ هر یک را در آن پیدا و پنهان یافتم
عقل را چون خضر در ظلمات آن دلکش سواد تشنه‌لب در آرزوی آب حیوان یافتم
و اندر آن از آب حیوان صد هزاران چشمه بیش کان چنان هر چشمه‌ای صد بحر عمّان یافتم
مشکلات عقلی و نقلی که دارند اهل علم اندر آن دشوار هر یک نیک آسان یافتم
اوّل و آخر همه نعت کریم مصطفی و این چنین سر خاصه دستور ایران یافتم
خواجه عالم رشید دولت و دین کآسمان کسوت اقبال او را عطف دامن یافتم

ب. ۴. ۳.

ای کتاب حکمت را صد چو لقمان خوشه چین و ای نصاب دانش را بوعلی صاحب‌زکات

کَلکِ عالی سیرت جاریست اگر نه خضر شد	آب حیوان از چه نوشد در سیاهی دوات
کام فضل از لفظ عذب شگرافشان خوست	گشت شیرین همچو خلق خلق از قند و نبات
با قوانین اصول دانشت در هر فنی	حکمت یونانیان ماند به نوعی ترهات
ای اشارات عیون حکمتت بحر شفا	زبده تحصیل فکرت عین قانون نجات
جامع اسرار تنزیلی و پر محصول کرد	شرح الفاظ و جیز تو بسیط کائنات
تهنیت گفتن به نوروزت نزید از خرد	ای جهان را هر دمی صد عید و نوروز از لقات
باد در تأیید و عزّت عمر چندان پایدار	کآدمی یادی کند در هیچ کاری از ادات

ب. ۵. احمد بن ابی القاسم بن ابی جعفر ساوی، قاضی ساوه

جَاه او باد جاودان و جلال	عزّ او باد بی کران و بقا
دولت از موکبش مباد بری	نصرت از رایشش مباد جدا
ناصرش باد شهریار زمین	حافظش باد کردگار سما
پیش این حجتش همیشه قوی	پیش آن حاجتش همیشه روا

اشعار نقل شده موجود در دواوین و منظومه‌ها

الف. انوری

الف. ۱. در تقریظ رکن الدّین مطرّزی (زنده در ۷۰۶ق):

آن صاحبی که از پی تفویض و کسب ملک	خاک درش ملوک جهان را نشیمن است
آن پادشانشان که ز تمکین کلک اوست	هر پادشا که بر سر ملکی ممکن است

(انوری، ۱۳۷۶: ۸۳-۸۴)

الف. ۲. در تقریظ رکن الدّین مطرّزی (زنده در ۷۰۶ق) و نیز تقریظ حیدر بن محمّد

جلالی اصفهانی (زنده در ۷۰۶ق):

این چنین جنس سخن را من ندانم نام چیست	نه نبوّت می توانم گفتنش نه ساحری
---------------------------------------	----------------------------------

(همان، ۴۷۱)

الف. ۳. در تقریظ شمس الدّین محمود اصفهانی (زنده در ۷۴۶ق):

تا کسی ز آفرین سخن گوید سخن خلق آفرین تو باد
همه وقتی خدای عزّ و جل حافظ و ناصر و معین تو باد
(همان، ۱۱۷)

الف. ۴. در تقریظ عضدالدّین عبدالرحمن بن احمد مطرّزی (۷۵۳ق):

کلکش چه قایل است که صاحبقران نطق
یعنی که نفس ناطقه در جنبش الکن است
صوت صریر معجزش از روی خاصیت
در قوّت خیال چنان صورت افکن است
کاکنون مزاج جَذر اصم در محاورت
ده گوش و ده زبان چو بنفشه است و سوسن است
(همان، ۱۱۷)

الف. ۵. در تقریظ محمّد بن محمّد بن اسماعیل بن صاعد، قاضی اصفهان (زنده در

۷۰۶ق):

کو حیدر هاشمی و کو حاتم طی تا شیوه مردمی و مردی بیند
مصراع دوم در دیوان این گونه ضبط شده است: «تا ماتم مردمی و مردی دارند»
(همان، ۹۸۲).

الف. ۶. در تقریظ تقی شاه حسینی ابرقوهی (زنده در ۷۰۶ق):

هرچه یزدان ندهد بخت و فلک هم کار آن مرتبه دارد که بود یزدانی
(همان، ۴۸۱)
روح از نهیب آنک مگر وحی منزل است اندرفتد به سجده که سبحان لم یزل
(همان، ۲۹۲)

الف. ۷. در تقریظ محیی الدّین، قاضی کرمان (زنده در ۷۰۶ق):

نشود کار عالمی به نظام گر نه پای تو در میان باشد

مصراع دوم در دیوان این گونه ضبط شده است: «که نه پای تو در میان باشد». دو نسخه- بدل، با صورت نقل شده در تقریظ یکسان است (همان، ۱۳۶).

تو هان و هان مبر این تحفه را به حضرت او
که نقدها نفایه است و ناقدی است بصیر

مکن که فکرت تو نیست مرد این دعوی
برو که خاطر تو نیست مرغ این انجیر
اگر مقصّر م اندر ثنات معذورم

که خاطری است پریشان و فکرتی است قصیر
سخن به پایه قدرت نمی رسد ورنی

به قدر قوّت و طاعت نمی کنم تقصیر
اگرچه هست بضاعت بضاعتی مزجات

به بی نیازی خود منگر این ز من پذیر
ابیات اوّل و دوم، در دیوان این گونه ضبط شده است:

که هان و هان مبر این شعر پیش خدمت او
که نقدهای نفایه است و ناقدی است بصیر

برو که فکرت تو نیست مرد این دعوی
برو که خاطر تو نیست مرغ این انجیر

(همان، ۲۵۲)

ب. سعدی

ب. ۱. در تقریظ شمس الدّین محمود اصفهانی:

هیچ پیرایه زیادت نکند حسن ورا هیچ مشّاطه نیاراید از این خوب ترش
در دیوان این گونه ضبط شده است:

هیچ پیرایه زیاد نکند حسن تو را هیچ مشّاطه نیاراید از این خوب ترتر

(سعدی، ۱۳۱۸: ۱۹)

ب. ۲. در تقریظ برهان الدین محمد بن ابی بکر بن عمر، قاضی مرو (زنده در ۷۰۶ق):
 به لا قامت لات بشکست خرد به اعزاز دین آب عزی ببرد
 نه از لات و عزی برآورد گرد که توریت و انجیل منسوخ کرد
 (همو، ۱۳۱۶: ۵)

ب. ۳. در تقریظ عضد الدین عبدالرحمن بن احمد مطرزی:
 کیست آن لعبت خندان که پری وار برفت که قرار از دل دیوانه به یکبار برفت
 صورت یوسف نادیده صفت می کردیم چون بدیدیم زبان سخن از کار برفت
 (همو، ۱۳۱۸: ۷۴)

هرگه که بر من آن بت عیار بگذرد صد کاروان ز عالم اسرار بگذرد
 (همان، ۹۵)

ب. ۴. در تقریظ مجد الدین عبدالله بن عمر تبریزی (زنده در ۷۰۶ق):
 ای از بهشت جزوی و از رحمت آیتی حق را به روزگار تو با ما عنایتی
 (همان، ۶۲۸)

ب. ۵. در تقریظ برهان الدین عبیدالله عبری (۷۴۳ق):
 خود کدام آیت لطف است که در شان تو نیست
 در دیوان این گونه ضبط شده است:

و آن کدام آیت لطف است که در شان تو نیست (همان، ۶۹)

ب. ۶. در تقریظ حیدر بن محمد جلالی اصفهانی:
 از آنچه فیض خداوند بر تو می باشد تو نیز در قدم بندگان حق می پاش
 در دیوان این گونه ضبط شده است:

وز آنچه فیض خداوند بر تو می باشد تو نیز در قدم بندگان او می پاش
 نسخه بدل با صورت نقل شده در تقریظ یکسان است (سعدی، ۱۳۲۰: ۱۳۰).

ب. ۷. در تقریظ احمد بن محمود دینوری (زنده در ۷۰۶ق):
 دریای فضل را به حقیقت کنار نیست ور هست نزد اهل حقیقت کنار اوست
 در دیوان این گونه ضبط شده است:

دریای عشق را به حقیقت کنار نیست و هست پیش اهل حقیقت کنار اوست
(همو، ۱۳۱۸: ۵۲)

پ. عطار نیشابوری

در تقریظ فخرالدین لر:

نه عقل به سرحد کمال تورسد نه جان به سراچه وصال تورسد
اجزای جهان اگر همه دیده شود ممکن نبود که در جمال تورسد
بیت دوم در مختارنامه این گونه ضبط شده است:

گر جمله ذرات جهان دیده شود ممکن نبود که در جمال تورسد
(عطار، ۱۳۷۵: ۷۷)

غیری چگونه روی نماید چو هرچه هست عین دگریکی است به بازار آمده
زلف تو پیش روی تو افتاده دادخواه روی تو پیش زلف به زنهار آمده
ای ظاهر تو عاشق و معشوق باطنت مطلوب را که دید طلب کار آمده؟
بر خود پدید کرده ز خود سر خود دمی چندین هزار عالم اسرار آمده
(همو، ۱۳۸۰: ۸۱۸-۸۲۰)

ت. همام الدین تبریزی

ت. ۱. در تقریظ علی بن محمود خراسانی یازری (زنده در ۷۰۶ ق):

آنچه اسکندر میان تیرگی جست و نیافت در سواد حیر آن مکتوب مضمّر یافتم
از ره تعظیم آن الفاظ گوهر بار را گاه بر لب گاه بر دل گاه بر سر یافتم
(همام الدین تبریزی، ۱۳۵۱: ۱۸۵)

ت. ۲. در تقریظ سیف الدین، نبیره صدر جهان بخاری (زنده در ۷۰۶ ق):

آب حیوانی که اسکندر به تاریکی نیافت در سواد حیر آن مکتوب مضمّر یافتم
می شنیدم بوی آن انفاس از آن اوراق از آن دامن اندیشه را ز او پر ز گوهر یافتم
ز اشتیاق دست گوهر بارش آن الفاظ را گاه بر دل گاه بر لب گاه بر سر یافتم
در دیوان این گونه ضبط شده است:

آنچه اسکندر به تاریکی همی جست و نیافت در سواد جبر آن مکتوب مضمر یافتم
ز اشتیاق دست گوهر بارت آن مکتوب را گاه بر لب گاه بر دل گاه بر سر یافتم
(همانجا)

ث. فخرالدین عراقی

ث. ۱. در تقریظ فضل‌الله بن عمر ماکی (زنده در ۷۰۶ق):

تو برتر از آنی که ثنا در تو رسد (عراقی، ۱۳۸۲: ۳۵۵)

ث. ۲. در تقریظ فخرالدین لر:

از صفای می و لطافت جام در هم آمیخت رنگ جام و مدام
همه جام است نیست گویی می یا مدام است نیست گویی جام
(همان، ۱۳۲-۱۳۳)

ج. مجیرالدین بیلقانی:

در تقریظ محمد بن عماد نحوی تبریزی (زنده در ۷۰۶ق):

ای کلک تو بر عروس کاغذ صد عقد ز مشک نار بسته
دست و قلمت کلاله حور برگردن آفتاب بسته
(مجیرالدین بیلقانی، ۱۳۵۸: ۳۲۵)

چ. مسعود سعد سلمان

در تقریظ فضل‌الله بن عمر ماکی:

هر جا که ز فضل پیشگاهی ست توی و آن یک تن تنها که سپاهی ست توی
گر دعوی عقل را گواهی ست توی ور بر سخن از قیاس شاهی ست توی
در دیوان این گونه ضبط شده است:

هر جا که ز فضل پیشگاهی ست منم وین یک تن تنها که سپاهی ست منم
گر دعوی ملک را گواهی ست منم گر بر سخن از قیاس شاهی ست منم
(مسعود سعد، ۱۳۹۰: ۱۰۳۷)

ح. فردوسی

در تقریظ محیی الدین، قاضی کرمان:

کز آن گه که بر چرخ مهر بلند بگشت از بر تیره خاک نژند

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۴/۸۶)

خ. عنصری

در تقریظ عبدالله بن عمر ورزقینی:

چنین نماید افکار فاضلان آثار چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار

در دیوان این گونه ضبط شده است:

چنین نماید شمشیر خسروان آثار چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار

(عنصری، ۱۳۴۲: ۶۱)

د. خاقانی

در تقریظ مجدالدین عبدالله بن عمر تبریزی:

سبحان الله ز فرق سر تا قدمت در قالب آرزوی ما ریخته اند

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۷۱۸)

ذ. مهستی گنجه‌ای

در تقریظ محمد بن محمد بن اسماعیل بن صاعد، قاضی اصفهان:

آبیم نمود بس تُنک آتش عشق چون پای در او نهادم از سر بگذشت

در دیوان این گونه ضبط شده است:

آبیم تُنک نمود بس آتش عشق چون پای در او نهادم از سر بگذشت

(مهستی گنجه‌ای، ۱۳۸۲: ۱۴۷)

ر. فخرالدین اسعد گرگانی

در تقریظ محیی الدین، قاضی کرمان:

که چونین باد و چونین باد و چونین ز من بنده دعا وز بخت آمین

در متن ویس و رامین، این گونه ضبط شده است:

هزاران بار چونین باد چونین دعا از من ز بخت نیک آمین
(فخرالدین اسعد، ۱۳۳۸: ۳۸۳)

ز. سید حسن غزنوی

در تقریظ علی بن محمود خراسانی یازری:

سر تا پایش ز یکدگر خوبتر است حیران شده ام که بر کجا گویم مدح

در دیوان این گونه ضبط شده است:

سر تا پایش^۱ ز یکدگر خوبتر است حیران شده ام که بر کجا بازم عشق
(سید حسن غزنوی، ۱۳۲۸: ۳۳۸)

ژ. سلمان ساوجی

در تقریظ فخرالدین لر:

ای باد صبا این همه آورده توست

(سلمان ساوجی، ۱۳۳۶: ۶۲۸)

منابع

- انوری، محمد بن محمد (۱۳۷۶). دیوان انوری، تصحیح محمدتقی مدرّس رضوی، تهران: علمی و فرهنگی.
- خاقانی، افضل الدین بدیل (۱۳۸۲). دیوان خاقانی شروانی، تصحیح ضیاء الدین سجّادی، تهران: زوّار.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۳۹). فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۴۸). فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران: زوّار.
- رجبزاده، هاشم (۱۳۵۵). آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل الله همدانی، تهران: توس.
- _____ (۱۳۷۷). خواجه رشیدالدین فضل الله، تهران: طرح نو.
- رشیدالدین فضل الله (۱۳۹۴). توضیحات رشیدی، تصحیح هاشم رجبزاده، تهران: میراث مکتوب.

- سعدی، مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۱۶). بوستان سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: بروخیم.
- _____ (۱۳۱۸). غزلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: بروخیم.
- _____ (۱۳۲۰). مراعظ سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: بروخیم.
- سلمان ساوجی (۱۳۳۶). دیوان سلمان ساوجی، تصحیح منصور مشفق، تهران: صفی‌علیشاه.
- سیدحسن غزنوی (۱۳۲۸). دیوان سیدحسن غزنوی، تصحیح تقی مدرّس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- عراقی، ابراهیم بن بزرگمهر (۱۳۸۲). کلیات فخرالدین عراقی، تصحیح نسرین محتشم (خرابی)، تهران: زوّار.
- عطار، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۰). دیوان عطار، تصحیح تقی تفضّلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۵). مختارنامه، تصحیح محمّدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- عنصری (۱۳۴۲). دیوان استاد عنصری بلخی، تصحیح محمّد دبیرسیاقی، تهران: کتابخانه سنایی.
- فخرالدین اسعد گرگانی (۱۳۳۸). ویس و رامین، تصحیح مجتبی مینوی، تهران: کتابفروشی یهودا بروخیم و پسران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- مجیرالدین بیلقانی (۱۳۵۸). دیوان مجیرالدین بیلقانی، تصحیح محمّد آبادی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز).
- مسعود سعد سلمان (۱۳۹۰). دیوان مسعود سعد سلمان، تصحیح محمّد مهیار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مهستی گنجه‌ای (۱۳۸۲). مهستی گنجه‌ای، بزرگترین زن شاعر رباعی‌سرا، تصحیح معین‌الدین محرابی، تهران: توس.
- همام‌الدین تبریزی، محمّد بن فریدون (۱۳۵۱). دیوان همام تبریزی، تصحیح رشید عیوضی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز).